

بررسی مرور زمان در بیمه‌های بازرگانی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۰۱

جعفر معزی^۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۹/۰۶

چکیده

تقش بیمه‌های بازرگانی در پوشش خسارت‌هایی که در اثر خطرهای گوناگون به جوامع بشری وارد می‌شود، غیرقابل انکار است. از زمانی که انسان با خطر روبرو شده، دائم به دنبال راه‌حلی بوده که از وقوع خطرهای پیشگیری کند یا اینکه راهی پیدا کند که خسارت‌های ناشی از آن جبران شود. یکی از راه‌های جبران خسارت، بیمه کردن اموال و مسئولیت‌های حقوقی و حرفه‌ای است. قرن‌هاست که بیمه مورد توجه جوامع متمدن قرار گرفته و هر روز بیشتر از روز قبل انسان‌ها با شناختی که نسبت به آن پیدا می‌کنند، به سوی آن گرایش پیدا می‌کنند.

استفاده از بیمه به‌عنوان راهی برای جبران خسارت، تابع شرایط خاصی است بدین معنا که هر استفاده‌کننده‌ای تا زمان معینی می‌تواند ادعای خسارت نماید و به‌همین منظور در ماده ۳۶ قانون بیمه بحث مرور زمان پیش‌بینی شده است و بعد از گذشت مدت پیش‌بینی شده، دعاوی بیمه‌ای مشمول مرور زمان خواهد شد. از آنجایی که در کشور ما قوانین باید براساس احکام شرعی باشد در سال ۱۳۶۳ شورای نگهبان مرور زمان در قانون آیین دادرسی مدنی را مسقط حق نمی‌داند. لذا این بحث مطرح می‌شود که آیا مرور زمان در قانون بیمه (بیمه‌های بازرگانی) منسوخ شده یا اینکه به قوت خود پا برجاست. در این تحقیق در مورد مرور زمان و انواع آن و تفاوت آن با مهلت‌های قانونی صحبت می‌شود. در پایان به‌عنوان نتیجه‌گیری خواهیم گفت که مرور زمان در قانون بیمه به قوت خود باقی مانده است و مرور زمان به دو دسته قانونی و قراردادی تقسیم می‌شود.

واژگان کلیدی: بیمه، بیمه‌های بازرگانی، مرور زمان، مرور زمان قانونی، مرور زمان قراردادی

(Email:jafar.moezi@yahoo.com)

۱. مربی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیریز (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

قبل از بیان این موضوع که آیا مرور زمان در بیمه‌های بازرگانی منسوخ شده یا اینکه به قوت خود پابرجاست برای آشنایی خوانندگان، مطالبی در مورد بیمه و شرایط آن بیان خواهیم کرد. بیمه به معنای امری کلمه از زمان ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۲۷۰ هجری شمسی رواج یافت. امتیاز تأسیس اداره بیمه حمل‌ونقل، از طرف پادشاه ایران به یک کمپانی روسی واگذار گردید و سال‌ها بعد شرکت‌های بیمه خارجی فعالیت خود را در ایران آغاز کردند (شیبانی، ۱۳۵۳؛ جزایری، ۱۳۴۷). اولین منبع قانونی که هنوز لازم الاجراست قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ هجری شمسی است. این قانون مشتمل بر سی‌وشش ماده بوده و با بهره‌گیری از قانون بیمه کشورهای پیشرفته در کشور ما به تصویب رسیده است.

شایان ذکر است بیمه به دو شاخه کلی تقسیم می‌شود. یک شاخه آن بیمه‌های اجتماعی است که از طریق دولت‌ها اعمال شده و به صورت اجباری در جهت حمایت از عامه مردم اجرا می‌گردد. این نوع از بیمه نسبت به برخی طبقات جامعه مانند کارگران جنبه اجباری داشته و وابسته به میل و اراده آنها نیست (کریمی، ۱۳۷۴).

شاخه دوم، بیمه‌های بازرگانی است که طبق قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ در کشور ما اجرا می‌شود. البته حقوق‌دانان و پژوهشگران بیمه براساس قانون مذکور و شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها که توسط شورای عالی بیمه به تصویب می‌رسد بیمه‌های بازرگانی را به شاخه‌های مختلف تقسیم می‌کنند (بابایی، ۱۳۸۲؛ معزی، ۱۳۸۸). این دسته از بیمه با توجه به بند ۹ ماده ۲ قانون تجارت کشور، جزء اعمال تجاری ذاتی محسوب می‌شوند. لذا اشخاصی که فعالیت حرفه‌ای خود را بیمه و فعالیت‌های مربوط به آن قرار می‌دهند، تاجر محسوب می‌شوند (اسکینی، ۱۳۸۲؛ ستوده تهرانی، ۱۳۷۷؛ ثابت سعیدی، ۱۳۸۶).

براساس ماده ۳۶ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶: «مرور زمان دعاوی مربوط به بیمه موضوع این قانون از تاریخ وقوع حادثه دو سال است و هر نوع اقدام ذی‌نفع به منظور مطالبه خسارت اعم از ارسال نامه یا تلگراف یا اظهارنامه، قاطع مرور زمان خواهد بود. مدت جدید بعد از انقطاع یک سال است». لذا براین اساس در قانون مذکور مرور زمان پیش‌بینی شده است. اما طبق اصل چهارم قانون اساسی کشور ما که بیان می‌دارد: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و ... باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر به عهده فقهای شورای نگهبان است». برابر اصل ۴ قانون اساسی، شورای نگهبان طی نظریه شماره ۷۲۵۷ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۱۲ اعلام نموده است که: «مواد ۷۳۱ به بعد قانون آئین دادرسی مدنی در مورد مرور زمان در جلسه فقهای شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به نظر اکثریت فقهای شورای نگهبان مواد مزبور که مقرر می‌دارد پس از گذشت مدتی (۱۰ سال - ۲۰ سال - ۳ سال - یکسال و غیره) دعوی در دادگاه شنیده نمی‌شود، مخالف با موازین شرع تشخیص داده شد» (اسکینی، ۱۳۷۸؛ عرفانی، ۱۳۷۱). با توجه به نظر شورای نگهبان در مورد مرور زمان این بحث به وجود آمد که آیا مرور زمان در سایر قوانین از جمله قانون بیمه منسوخ شده یا اینکه به اعتبار خود باقی مانده است.

براین اساس این سؤال مطرح می‌شود که آیا مرور زمان در قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ به عنوان بیمه بازرگانی منسوخ شده یا اینکه نظریه شورای نگهبان ارتباطی به بیمه نداشته است. در این مقاله سعی خواهیم کرد با ارائه تعریف و مبنای مرور زمان و نیز انواع مرور زمان و تفاوت آن با مهلت‌های قانونی، این موضوعات را مورد بررسی قرار دهیم. شایان ذکر است که در شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها بحث مرور زمان به صورت قراردادی مطرح شده است. در این مقاله به این موضوع نیز پرداخته خواهد شد.

۲. تعریف و مبنای مرور زمان

- تعریف مرور زمان

مرور زمان با اقتباس از قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه در قانون آئین دادرسی مدنی ایران مصوب ۲۵ شهریور ماه ۱۳۱۸ وارد گردید (شهیدی، ۱۳۸۱). با وجود اینکه قانون مدنی کشور فرانسه از مرور زمان صحبت نموده است اما قانون مدنی کشور ما در مورد مرور زمان مطالبی ندارد. هرچند که برخی از حقوق‌دانان کشور ما در کتب حقوق مدنی از آن به‌عنوان یکی از راه‌های سقوط تعهد صحبت کرده‌اند، اما مرور زمان موجب سقوط تعهد نمی‌شود بلکه صرفاً مرور زمان می‌تواند توانایی صاحب حق را در اجبار متعهد به انجام تعهد از طریق قضایی از بین ببرد، لذا می‌توان به‌عنوان وسیله‌ای جهت سقوط تعهدات از آن یاد کرد (شهیدی، ۱۳۸۱). باید متذکر شویم که در مورد مرور زمان نظام‌های حقوقی به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: گروه اول سپری شدن زمان را به‌عنوان وسیله‌ای قبول دارند که حقوق و دعاوی را منتفی می‌سازد و گروه دوم سپری شدن زمان را صرفاً به‌عنوان ایراد در مقابل دعاوی مطرح در دادگاه قبول دارند؟ (اخلاقی و امام، ۱۳۸۵؛ کاتوزیان، ۱۳۸۶).

در تعریف مرور زمان باید بگوییم که در قانون مدنی کشور ما در این خصوص مطالبی وجود ندارد و صرفاً در مقررات آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ مرور زمان این‌گونه تعریف شده بود: «مرور زمان عبارت از گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت، دعوی شنیده نمی‌شود». لذا براساس این تعریف، بعد از سپری شدن مدت زمانی - که آن هم باید در قوانین پیش‌بینی شده باشد - دیگر صاحب حق (مدعی)، حق اقامه دعوی را از دست خواهد داد. تعریف قانون‌گذار بیانگر این مسئله بود که مرور زمان سبب عدم‌استماع دعوی در مراجع قضایی بوده است نه سبب سقوط تعهد. از آنجایی که قانون‌گذار ما بر عکس قانون‌گذار فرانسوی در قانون مدنی از مرور زمان صحبت نمی‌کند می‌توان استنباط نمود که قانون‌گذار با

بیان مرور زمان در قانون آئین دادرسی مدنی در پی بیان این مسئله بوده که مرور زمان صرفاً وسیله‌ای در دست خواننده بوده که می‌توانسته با استناد به آن از دعوی خواهان جلوگیری کند. بنابراین اگر خواننده از این حق استفاده نمی‌کرد تکلیفی برای عدم استماع دعوا توسط قاضی به وجود نمی‌آمد. براساس ماده ۷۳۵ قانون آئین دادرسی مدنی سابق چنانچه مدیون به میل و رضای خودش اقدام به پرداخت دین خود نماید دیگر نمی‌تواند به استناد مرور زمان، مطالبه وجه پرداختی را نماید. به عبارت دیگر مرور زمان اصل حق را زایل نمی‌کند، بلکه امتیاز مطالبه آن را از بین می‌برد.

- مبنای مرور زمان

در اینجا باید مشخص شود که مرور زمان بر چه مبنای اساسی قرار دارد؛ به عبارت دیگر فلسفه اینکه در مقررات کشور ما مرور زمان را پیش‌بینی کرده‌اند چه بوده است؟ برای توجیه این مسئله که مرور زمان بر چه مبنایی استوار است می‌توان دو مبنای اساسی قرار داد:

- محدود کردن حق خواهان برای اقامه دعوی در مدتی معین و معلوم برای این است که با گذشت زمان مدارک و شواهدی که در مورد قضیه وجود دارد تازگی خود را از دست می‌دهد و عقل سلیم حکم می‌کند که بعد از گذشت زمان طولانی نمی‌توان به اظهارات شهود اعتماد کامل کرد. از طرف دیگر نظم عمومی و برقراری آرامش در اجتماع ایجاب می‌کند که هرگاه صاحب حق با گذشت زمان طولانی چنانچه به اختیار، اقدام به مطالبه حق خود نکرده بتواند پس از گذشت آن زمان دستگاه قضائی را وادار به رسیدگی کند. علاوه بر این اگر بحث مرور زمان پذیرفته نشود باعث خواهد شد که اشخاص نسبت به حقوقی که در اختیار دارند همیشه در اضطراب باشند که آیا می‌توانند در جهت حفظ و بهره‌برداری از متصرفات خود از آن استفاده کنند (پاول، ۱۳۸۱).

- ادعای خسارت علیه خواننده به مدت نامحدود و نامشخص غیرعادلانه به نظر می‌رسد. بعضی معتقدند که عدم مطالبه حق توسط خواهان برای مدت زمان طولانی به معنای اماره اعراض از حق است (شهیدی، ۱۳۸۱). به عبارت دیگر وقتی که صاحب حق برای مدت زمان طولانی، با وجود اینکه اموال خود را در دست خواننده می‌بیند، علیه او طرح دعوا نمی‌کند نشانه این موضوع است که او از حق خود اعراض کرده و چون اعراض نوعی ایقاع است، لذا موجب سقوط تعهد می‌شود. البته در پاسخ به این موضوع باید بگوییم که اعراض باید توسط شخصی صورت گیرد که قصد و رضا داشته باشد. احراز قصد و رضا کار دشواری است؛ مگر اینکه سکوت صاحب حق را به منزله رضای او قرار دهیم، چیزی که با قانون مدنی کشور ما همخوانی ندارد؛ زیرا طبق قانون ما، سکوت به منزله عدم رضا است. هرچند که در موارد استثنایی در برخی موارد قانون‌گذار کشور ما، سکوت را به منزله رضا پذیرفته است و شاید بتوان گفت این مورد نیز یکی از این موارد است، در حالی که این موضوع نیز نیازمند مجوز قانونی است.^۱

۳. انواع مرور زمان در بیمه‌های بازرگانی

بر اساس قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ و شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها که از جمله مصوبات شورای عالی بیمه است، مرور زمان در بیمه‌های بازرگانی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول مرور زمان قانونی است که در قانون بیمه پیش‌بینی شده و دسته دوم مرور زمان قراردادی است که در شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها پیش‌بینی شده‌اند که هر کدام در ادامه بررسی می‌شوند.

۱. ماده ۱۳۹ قانون تجارت و ماده ۵۰۱ قانون مدنی

۳-۱. مرور زمان قانونی

منظور از مرور زمان قانونی، آن دسته از مرور زمانی است که قانونگذار کشور ما در قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ آن را مشخص کرده است. در ماده ۳۶ قانون مذکور آمده است: «مرور زمان دعاوی ناشی از بیمه، دو سال است و ابتدای آن از تاریخ وقوع حادثه منشأ دعوی خواهد بود لکن دعاوی که قبل از اجرای قانون در محاکم طرح شده باشد مشمول این ماده نخواهد بود». براساس این ماده قانونی باتوجه به اطلاق آن کلیه دعاوی مربوط به قرارداد بیمه، دو سال بعد از وقوع حادثه مشمول مرور زمان خواهد شد و قابلیت استماع در دادگاه را از دست خواهد داد (محمودصالحی، ۱۳۸۱).

اما در مورد مرور زمان قانونی، چند سؤال مطرح می‌شود که آیا مرور زمان قانونی در قانون بیمه پابرجا مانده یا بعد از اینکه در سال ۱۳۶۳ شورای نگهبان متعرض مرور زمان در قانون آئین دادرسی مدنی گردید، مرور زمان در قانون بیمه نیز منسوخ شده است؟ و دوم اینکه چه اشخاصی طبق ماده ۳۶ قانون مذکور می‌توانند به مرور زمان استناد کنند و به عبارت دیگر آیا مرور زمان برای یکی از طرفین قرارداد بیمه است و سایرین حق استناد به آن را ندارند؟ در پاسخ به سؤال دوم در صفحات آینده بحث خواهد شد. اما در مورد نظر شورای نگهبان قابل ذکر است که این مرجع در نظریه شماره ۷۲۵۷ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ اعلام کرده است که: «مواد ۷۳۱ به بعد قانون آئین دادرسی مدنی در مورد مرور زمان در جلسه فقهای شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به نظر اکثریت فقهای شورا مواد مزبور که مقرر می‌دارد پس از گذشتن مدتی (۱۰ سال - ۲۰ سال - ۳ سال یک سال و غیره) دعوی در دادگاه شنیده نمی‌شود مخالف موازین شرع است». باتوجه به نظر شورای نگهبان این بحث مطرح شد که آیا نظر مرجع مذکور صرفاً در مورد مرور زمان در قانون آئین دادرسی مدنی است یا اینکه به سایر مرور زمان‌ها که در قوانین دیگر از جمله بیمه و قانون تجارت وجود دارد، تسری پیدا خواهد کرد. در مورد نسخ مرور زمان در قانون

تجارت، حقوق‌دانان معتقدند که نظر شورای نگهبان ارتباطی به آن ندارد؛ زیرا عدم‌رعایت مهلت‌های تجاری در قانون تجارت، امتیازاتی را از دارنده سند برای طلب خود از قبیل عدم‌امکان تعقیب سلب می‌کند (اگر دینی مشمول مرور زمان شده باشد مسئولیت تضامنی ضامنین منتفی خواهد بود و استناد به آن سند، امکان تقاضای تأمین خواسته بدون پرداخت خسارت احتمالی را ایجاد نمی‌کند).

مطلب دیگر اینکه مرور زمان در اسناد تجاری برای ایجاد سرعت در امور بازرگانی است، لذا چنانچه دارنده سند تجاری در زمان‌های مقرر برای احقاق حق خود اقدام ننماید سند او از صورت تجاری خارج شده و از امتیازاتی که قانون‌گذار برای اسناد تجاری پیش‌بینی کرده محروم می‌شود، اما مانع این نیست که طلبکار حقوق خود را از طریق مدنی مطالبه نکند.

لذا با جمع تفاسیر فوق می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که رأی شورای نگهبان صرفاً در مورد قانون آئین دادرسی مدنی بوده و به سایر قوانین تسری پیدا نخواهد کرد و از طرفی وجود مرور زمان قانونی تجارت صرفاً یک سری مزایا را از اسناد تجاری سلب خواهد کرد که آن هم از طریق مدنی قابل مطالبه است؛ بنابراین با وحدت ملاک از مقررات قانون تجارت و مطالب ارائه‌شده، مرور زمان قانونی در قانون بیمه وجود دارد و تا زمانی که قانون‌گذار آن را نسخ نکرده باشد به قوت خود پابرجا خواهد ماند. چرا که نسخ مرور زمان در قانون بیمه نیاز به تصریح دارد که در این زمینه از سوی قانون‌گذار نصی وجود ندارد.

۲-۳. مرور زمان قراردادی

مرور زمان قراردادی در بیمه‌های بازرگانی غیر از مرور زمان قانونی است که در قانون بیمه پیش‌بینی شده است. هرچند که مشابهت بسیار نزدیکی بین آن دو وجود دارد اما یکی از آنها جنبه قانونی داشته و به حکم قانون‌گذار ایجاد شده و باید به حکم قانون هم از بین برود و دیگری جنبه قراردادی دارد و به توافق طرفین بر می‌گردد. مرور

زمان قراردادی به این صورت خواهد بود که شرکت‌های بیمه به عنوان بیمه‌گر در شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها این موضوع را پیش‌بینی می‌کنند که: «مرور زمان دعاوی مربوط به بیمه موضوع این قانون از تاریخ وقوع حادثه دو سال است و هر نوع اقدام ذی‌نفع به منظور مطالبه خسارت اعم از ارسال نام یا تلگراف یا اظهارنامه، قاطع مرور زمان خواهد بود. مدت مرور زمان جدید بعد از انقطاع یک سال است».

ملاحظه می‌کنید که در این شرط، مرور زمان به صورت قراردادی پیش‌بینی شده است. شورای عالی بیمه به عنوان یکی از ارکان اصلی بیمه مرکزی ج.ا.ا اقدام به تصویب یک سری مصوبات می‌کند که یکی از آنها شرایط عمومی بیمه‌نامه‌هاست. شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها که در اصل، ترکیبی از شرایط عمومی و شروط ضمن عقد به معنای اخص است اقدام به تعیین برخی شروط ضمن عقد می‌کند و چون این شروط جنبه قراردادی دارد لذا بین طرفین لازم‌الاتباع است (معزی، ۱۳۸۶). ایرادی که به این موضوع وارد است اینکه براساس اصل حسن نیت، که یکی از اصول حاکم بر قراردادهای بیمه است، طرفین قرارداد باید تمام اطلاعات و جزئیات در مورد قرارداد بیمه را به طرف مقابل اطلاع‌رسانی کنند (عرفانی، ۱۳۷۱؛ آوانسیان، ۱۳۶۷). اما در این مورد بیمه‌گر اقدام به اطلاع‌رسانی نمی‌کند و اکثر بیمه‌گذاران از وجود این شرایط بی‌اطلاع هستند. لذا این موضوع باعث خواهد شد شرکت‌های بیمه بتوانند از این موارد در جهت سود خود استفاده کنند، این در حالی است که طبق اصل فوق‌الذکر طرفین قرارداد باید از تمام حقایق مطلع باشند.

نکته قابل توجه در مورد مرور زمان قراردادی در بیمه‌های بازرگانی این است که مبنای این نوع مرور زمان چیست؟ در پاسخ به این سؤال باید بگوییم قانون‌گذار کشور ما در ماده ۳۵ قانون بیمه به صراحت اعلام کرده است که بیمه‌گر و بیمه‌گذار می‌توانند در قراردادهای بیمه هر گونه توافقی بنمایند در این ماده آمده است که: «طرفین می‌توانند در قراردادهای بیمه هر شرط دیگری بنمایند لیکن موعده مذکور در

ماده ۱۶ را نمی‌توانند تقلیل دهند ولی ممکن است موعد را به رضایت یکدیگر تمدید کنند. این قانون شامل قراردادهای گذشته بیمه نیز خواهد بود». لذا قانون‌گذار این مجوز را صادر کرده که بیمه‌گذار و بیمه‌گر هرگونه شروطی در ضمن عقد بیمه مطرح کنند. البته برای اینکه بیمه‌گذار بتواند از مزایای قرارداد بیمه استفاده کند و از شرکت بیمه بخواهد که به تعهدات قراردادی خود عمل نماید مشروط به این است که طبق ماده ۱۵ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ در اولین زمان ممکن و نهایتاً ظرف مدت پنج روز از تاریخ اطلاع خود از وقوع حادثه، بیمه‌گر را مطلع نماید. در غیر این صورت بیمه‌گر در مقابل بیمه‌گذار تعهدی نخواهد داشت، مگر اینکه بیمه‌گذار ثابت کند به یک علت خارجی امکان آگاهی و اطلاع‌رسانی به بیمه‌گر وجود نداشته است. براساس ماده ۳۵ قانون بیمه مهلت مشخص شده در ماده ۱۵ قابل تغییر و افزایش است. امروزه در شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها این مهلت افزایش پیدا کرده یا اینکه بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار توافق صورت گرفته که ضمانت اجرای عدم انجام تعهد مذکور در ماده ۱۵ تغییر کند و به نوع دیگری تبدیل شود. لذا برای اینکه به مرور زمان استناد شود لازم است بیمه‌گذار طبق ماده ۱۵، ظرف مدت پنج روز از تاریخ اطلاع از وقوع حادثه عمل نموده باشد. در غیر این صورت بعد از پنج روز بیمه‌گر دیگر تعهدی نخواهد داشت. در پایان شرط مرور زمان قراردادی آمده است که هر نوع اقدام ذی‌نفع به منظور مطالبه خسارت به معنای انقطاع مرور زمان خواهد بود و تصریح شده است که مدت مرور زمان جدید بعد از انقطاع یک‌سال است. این امر به این معنا نیست که مدت مرور زمان از دو سال به یک سال کاهش پیدا کند بلکه برعکس به این معناست که مرور زمان از دو سال به سه سال افزایش پیدا می‌کند.

۴. اشخاصی که می‌توانند به مرور زمان استناد کنند

در مورد مرور زمان اعم از قراردادی یا قانونی این سؤال مطرح می‌شود که مرور زمان به نفع کدام یک از طرفین است؟ به عبارت دیگر آیا مرور زمان صرفاً به نفع بیمه‌گر

در نظر گرفته شده است؟ علت طرح این سؤال این است که برخی معتقدند که مرور زمان در ماده ۳۶ قانون بیمه و در شرایط عمومی بیمه نامه‌ها صرفاً به نفع بیمه‌گر است (مدنی کرمانی، ۱۳۷۶). براساس نظر این گروه بیمه‌گذار حق استناد به مرور زمان را نخواهد داشت. دلایل طرفداران این موضوع این است که تصریح قانون‌گذار در ماده ۳۶ قانون بیمه که وقوع حادثه را منشأ دعوی قرار داده است استنباط می‌کند که بیمه‌گذار حقی نخواهد داشت و مرور زمان به نفع بیمه‌گر ایجاد شده است. در پاسخ به این گروه باید بگوییم که:

- قانون‌گذار کشور ما به صراحت نصی را بیان نکرده‌اند که بتوان طبق آن گفت فقط دعاوی بیمه‌گذار و اشخاص ثالث مشمول مرور زمان می‌شوند و دعاوی بیمه‌گر مشمول مرور زمان نخواهد شد.
- دلیلی وجود ندارد که بتوان براساس آن بگوییم قانون‌گذار بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر تفاوت قائل شده است.
- تعیین زمان وقوع حادثه به عنوان ابتدای مرور زمان در ماده ۳۶ قانون بیمه و شرایط عمومی بیمه نامه‌ها صرفاً برای تعیین ابتدای مرور زمان است.
- قرارداد بیمه به صورت یک عقد عضویتی و الحاقی منعقد می‌گردد که برخی از شرایط آن به نفع بیمه‌گر (طرف قوی قرارداد) است، لذا ما در مقام تفسیر قانون و قرارداد فی‌مابین برای حمایت از طرف ضعیف قرارداد آن را به گونه‌ای باید تفسیر کنیم که بیمه‌گذاران مغبون نشوند. براساس دلایلی که مطرح کردیم باید بگوییم که هر شخصی اعم از بیمه‌گر و بیمه‌گذار و اشخاص ثالث - به عنوان متضرر یا ذی‌نفع - می‌تواند به مرور زمان براساس ماده ۳۶ قانون مذکور و طبق شرایط عمومی بیمه نامه‌ها استناد کنند. هر چند که ما معتقدیم که مرور زمان در قانون بیمه به قوت خود پابرجاست و ایراد شورای نگهبان به آن سرایت نکرده است، اما اگر به فرض محال هم عده‌ای نظر شورای نگهبان را در مورد مرور زمان به قانون بیمه تسری دهند

باز باید بگوییم که مرور زمان قراردادی به قوت خود پابرجاست و طرفین می‌توانند به آن استناد کنند. مگر اینکه در قراردادی که بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار منعقد شده است طرفین، مرور زمان قراردادی را تعیین نکرده باشند یا اینکه شرط را قبول نکرده باشند.

۵. تفاوت مرور زمان و مهلت‌های قانونی

در تعریف مرور زمان، ماده ۷۳۱ قانون آئین دادرسی مدنی سابق بیان می‌داشت: «مرور زمان عبارت از گذشتن مدتی است که به موجب قانون، پس از انقضای آن مدت، دعوی شنیده نمی‌شود». علاوه بر مدت زمانی که تحت عنوان مرور زمان از آن یاد می‌کنند، مواعد دیگری در برخی از قوانین مانند قانون تجارت، قانون مدنی پیش‌بینی شده است که مشابهت نزدیکی با مرور زمان دارد، درحالی‌که اگر به این مواعد دقت کنیم متوجه خواهیم شد که این مواعد، مرور زمان به معنای خاص نیستند لذا با توجه به موضوع مقاله، سعی می‌کنیم تفاوت این دو موضوع را مشخص کنیم. مهلت‌های قانونی آن دسته از مواعیدی هستند که در برخی قوانین مشخص شده است؛ به‌عنوان مثال قانون‌گذار در ماده ۱۱۶۲ قانون مدنی اشعار می‌دارد: «در مورد مواد قبلی، دعوی نفی ولد باید در مدتی که عادتاً پس از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل، برای امکان اقامه دعوی کافی است، اقامه گردد و در هر حال دعوی مزبور پس از انقضاء دو ماده از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل مسموع نخواهد بود». هر چند که ظاهر ماده ۱۱۶۳ قانون مذکور این موضوع را القاء می‌کند که این مدت به معنای مرور زمان است اما در واقع این موعد، مرور زمان نیست بلکه باید آن را مهلت قانونی پنداشت؛ زیرا در صورتی که خوانده هم نسبت به انقضای این مدت ایراد نماید برای دادگاه تکلیف ایجاد می‌شود، در صورت انقضای مدت دو ماهه قرار عدم‌استماع دعوا را صادر نماید (شمس، ۱۳۸۷؛ صفایی، ۱۳۸۵). لذا اگر این مدت دو ماهه، مرور زمان باشد باید خوانده ایراد بگیرد و آن هم در جلسه اول دادرسی تا دادگاه دعوای خواهان را رد نماید؛ درحالی‌که در این خصوص این‌گونه نخواهد بود.

در ماده ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون تجارت آن مواعدی که مشخص شده‌اند مهلت هستند نه مرور زمان به معنای خاص؛ زیرا در این مورد نیز در صورت انقضای مواعد در ماده ۲۸۶ و ۲۸۷ براساس ماده ۲۸۹ قانون مذکور، دادگاه باید قرار رد دعوا صادر نماید و دعوی علیه ظهرنویسان نمی‌تواند جریان پیدا کند. مشابه این موارد در قوانین ما فراوان هستند که می‌توان به مواد قانون آئین دادرسی مدنی جدید مصوب ۱۳۷۹ استناد کرد. با بیان این مطالب باید بگوییم بین مرور زمان به معنای خاص و مهلت‌های قانونی تفاوت وجود دارد.

مرور زمان به معنای خاص زمانی مانع رسیدگی می‌گردد که نخست خوانده ایراد مرور زمان می‌گرفت لذا تا زمانی که توسط خوانده ایراد مرور زمان مطرح نشده باشد برای دادگاه تکلیف ایجاد نمی‌شود و موظف است روند دادرسی را ادامه دهد. دوم اینکه در مورد مرور زمان به معنای خاص خوانده باید تا پایان اولین جلسه دادرسی این ایراد را مطرح کند لذا چنانچه جلسه اول دادرسی سپری شود و خوانده ایراد را مطرح نکند دیگر برای خوانده این حق حفظ نمی‌شود و دادگاه در جلسات بعد بدون توجه به ایرادات خوانده، رسیدگی را ادامه می‌دهد. درحالی‌که در مورد مهلت‌های قانونی نیازی به اینکه خوانده ایراد بگیرد یا اینکه ایراد نگیرد، چه در جلسه نخست چه در سایر جلسات نیست، طبق مقررات قانونی، دادگاه به محض اطلاع از این موضوع موظف است قرار عدم استماع دعوا را صادر کند. لذا با جمع تفاسیر فوق بین مرور زمان و مهلت‌های قانونی تفاوت وجود دارد.

۶. نتیجه‌گیری

طبق ماده ۳۶ قانون بیمه، مرور زمان در بیمه‌های بازرگانی به قوت خود پابرجاست و نظر شورای نگهبان، مرور زمان در قانون آیین دادرسی مدنی را منسوخ نکرده است. از طرف دیگر باید بگوییم که مرور زمان با توجه به قانون بیمه و شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها به دو دسته قانونی و قراردادی تقسیم می‌شود. از آنجایی که با انعقاد قرارداد

بیمه میان بیمه‌گر و بیمه‌گذار، طرفین شرایط ضمن عقد آن را می‌پذیرند لذا مرور زمان قراردادی را قبول می‌کنند و اگر با فرض محال مرور زمان قانونی نسخ شده باشد- که به نظر ما نسخ نشده است- مرور زمان قراردادی بین طرفین به قوت خود پابرجاست.

باید میان مرور زمان و مهلت‌های قانونی که در برخی از قوانین مانند قانون مدنی (ماده ۱۱۶۲ و ۱۱۶۳) و قانون تجارت (ماده ۲۸۶ و ۲۸۷) وجود دارد، تفاوت قائل شویم؛ زیرا مرور زمان نیاز به طرح ایراد دارد آن هم از سوی خواننده دعوا و در جلسات اول دادرسی؛ اما مهلت‌های قانونی بدون ایراد خواننده نیز باعث خواهد شد که قاضی به محض اطلاع از این موضوع، دعوی خواهان را رد کند.

مرور زمان در ماده ۳۶ قانون بیمه به نفع تمام طرفین اعم از بیمه‌گر و بیمه‌گذار و اشخاص ذی‌نفع است و دلیلی که بتوان براساس آن بگوییم مرور زمان صرفاً به نفع بیمه‌گر پیش‌بینی شده است وجود ندارد لذا تمام افراد مذکور می‌توانند به مرور زمان استناد نمایند اعم از اینکه مرور زمان قانونی موضوع قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ باشد یا مرور زمان قراردادی که در شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها به‌عنوان شروط ضمن عقد آمده است.

منابع

۱. آوانسیان، آ.، ۱۳۶۷. اصل حسن نیت. فصلنامه صنعت بیمه، ۴، ص ۶۷.
۲. اخلاقی، ب. و امام، ف.، ۱۳۸۵. اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی. تهران: شهر دانش، چ ۲، ص ۳۱۳.
۳. اسکینی، ر.، ۱۳۷۸. حقوق تجارت: برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک. تهران: سمت، چ ۴، ص ۱۵۱.
۴. اسکینی، ر.، ۱۳۸۲. حقوق تجارت: کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری. تهران: سمت، چ ۴، ص ۸۵.
۵. بابایی، الف.، ۱۳۸۲. حقوق بیمه. تهران: سمت، چ ۲، ص ۲۴.

۶. پاول، الف، ۱۳۸۱. بیمه‌های مسئولیت مدنی. ترجمه علی اکبر ریسه، تهران: بیمه مرکزی ج.ا.ا، چ ۱، ص ۱۶۴.
۷. ثابت سعیدی، الف، ۱۳۸۶. حقوق بازرگانی. تهران: دانشگاه پیام نور، چ ۴، ص ۳۷.
۸. جزایری، ش، ۱۳۴۷. حقوق کار و بیمه‌های اجتماعی. دانشگاه تهران، چ ۱، ص ۱۸۳.
۹. ستوده تهرانی، ح، ۱۳۷۷. حقوق تجارت. تهران: دادگستری، چ ۴، ج ۱، ص ۵۳.
۱۰. شمس، ع، ۱۳۸۷. آیین دادرسی مدنی. تهران: دراک، چ ۲، ص ۱۲۴.
۱۱. شهیدی، م، ۱۳۸۱. حقوق مدنی سقوط تعهدات. تهران: مجد، چ ۵، ص ۲۲۴.
۱۲. شبیانی، الف.ع، ۱۳۵۳، پیدایش بیمه و تحول آن. تهران: مدرسه عالی بیمه.
۱۳. صفایی، ح، ۱۳۸۵. حقوق مدنی اشخاص و اموال. تهران: میزان، چ ۵، ص ۱۰۶.
۱۴. عدل، م، [بی تا]. حقوق مدنی. تهران: گنج دانش، چ ۱، ص ۱۹۳.
۱۵. عرفانی، ت، ۱۳۷۱. قرارداد بیمه در ایران و اسلام. تهران: کیهان، چ ۱، ص ۵۱.
۱۶. عرفانی، م، ۱۳۷۳. حقوق تجارت بین‌المللی. تهران: ماجد، چ ۱، ج ۱، ص ۷۵.
۱۷. کاتوزیان، ن، ۱۳۸۶. مقدمه علم حقوق. تهران: سهامی انتشار، چ ۵۷، ص ۳۰۹.
۱۸. کریمی، آ، ۱۳۷۴. کلیات بیمه. تهران: بیمه مرکزی ایران، چ ۱، ص ۴۲.
۱۹. محمودصالحی، ج.ع، ۱۳۸۱. حقوق بیمه. تهران: بیمه مرکزی ایران، چ ۱، ص ۱۶۳.
۲۰. مدنی کرمانی، ع، ۱۳۷۶. حقوق بیمه. تهران: جد، چ ۱، ص ۱۳۲.
۲۱. معزی، ج، ۱۳۸۶. حقوق بیمه شخص ثالث. شیراز: آوند اندیشه، چ ۱، ص ۲۰.
۲۲. معزی، ج، ۱۳۸۸. حقوق بیمه، تهران: دانش پرور، چ ۱.
۲۳. منصور، ج، ۱۳۷۸ الف. قانون مدنی. تهران: دیدار.
۲۴. منصور، ج، ۱۳۷۸ ب. قانون تجارت، تهران: دیدار.
۲۵. منصور، ج، ۱۳۸۹، قانون بیمه. تهران: دیدار.